

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۱/۱۹

نویسنده: پیپ اسکوبر  
منبع: ایشیا تایمز ۱۶ نومبر  
مترجم: رسول رحیم

## افغانستان در بازی بزرگ جدید یک جایگاه مرکزی اتخاذ می کند



در هفته گذشته مسکو هنگامی میزبان گفت وگوها برای ترغیب صلح در افغانستان شد که همسایگان و قدرتهای سنگین وزن منطقه ای، چشم انتظار ثمرات ثبات در این کشوری می باشند که از مدتهای طولانی به اینسو معروض به جنگ است.

**یادداشت مترجم:** رویداد های مرتبط به گفت وگو های صلح با طالبان در مسکو، در سطح ملی، منطقه ای و قاره ای به سرعت یکی پی دیگری شکل می گیرند. توجه به این مهم در سطح رسانه های درون کشوری بسیار محدود به نظر می رسد. از تحلیلهای ذوقی که بگذریم، نخبگان سیاسی در افغانستان این موضوع را با از زاویه منافع سیاسی شخصی و گروهی شان می نگرند و یا اینکه صرفاً به نقش امریکا و اقدامات نماینده و اشنگتن برای صلح در افغانستان ارزش می گذارند. در مورد نقش روسیه با تعافل اشارت صورت می گیرد و در نهایت طرح مسکو را در تقابل با ابتکارات و اشنگتن می بینند. از طرح سازمان همکاری شانگهای و نقش چین کمتر اثری دیده می شود. هرگاه یک سلسله تحلیلهای علمی را که اخیراً در مورد شرایط مذاکرات صلح با طالبان توسط برخی شخصیت های علمی و نهادهای پژوهشی استراتژیک ابراز شده اند، به کناری بگذاریم، در مجموع این برداشتها بنا بر محدودیت و یک جانبه نگرانی مفرط شان غیر کار آمد می باشند.

ترجمه این مقاله پیپ اسکوبر که در ۱۶ نومبر در "ایشیا تایمز" انتشار یافته است، با نیت تکمیل خلا های تحلیلی موجود در رسانه های کشور و دامن زدن به یک گفتن جامع و همه جانبه در مورد گفت وگو های صلح با طالبان صورت گرفته است. هدف مترجم از برگردان این مقاله برخورد جیوپولتیکی تحلیلی که به گفت وگو های صلح افغانستان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

در مسکو است که ستون فقرات این مقاله اش را تشکیل می دهد. در غیر آن من مانند همیشه با طرز بیان و پاره ای از تحلیلهای ضمنی نویسنده این تحلیل موافق نیستم.

\*\*\*

در هفته گذشته مسکو هنگامی میزبان گفت وگوها برای ترغیب صلح در افغانستان شد که همسایگان و قدرتهای سنگین وزن منطقه ای، چشم انتظار ثمرات ثبات در این کشوری می باشند که از مدتهای طولانی به اینسو معروض به جنگ است.

افغانستان، این "گورستان امپراتوریها" هرگز از عرضه پیچ وتابهای جیوپولتیکی و تاریخی بازمانده است. هفته گذشته در مسکو فصل مهم دیگر این داستان حماسی هنگامی نوشته شد که روسیه قول داد از تواناییهای دیپلماتیکی اش برای ترغیب تلاشهای صلح در این کشور استفاده نماید که از مدت طولانی به اینسو درگیر جنگ است. سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه، درحالیکه نمایندگان افغانستان و رقبای شان طالبان در کنارش بودند، درمورد «همکاری باهمی آن شرکای منطقه ای و دوستان افغانستان» سخن به میان آورد «که در این میز گرد آمده اند.» او گفت: «من روی شما حساب می کنم که چنان گفت وگوهای جدی و سازنده ای به راه می اندازید که آرزوهای مردم افغانستان را توجیه کند.»

در گذشته، در سالهای ۱۹۸۰ اتحاد شوروی یک جنگ فاجعه بار را در این کشور به راه انداخته بود. سی سال پس از آن، اکنون روسیه نقش رهبری کننده میانجیگری را در این نسخه قرن بیست و یکمی بازی بزرگ گرفته است. ترکیب نشست مسکو متنوع است

چهار عضو شورای عالی صلح افغانستان که مسوول تلاشها برای گفت وگو با طالبان می باشد، در این گفت وگوها شرکت دارند. با اینهم، وزارت خارجه افغانستان به دور از انتظار تاکید می نماید که این شورا از حکومت افغانستان نمایندگی نمی کند.

کابل و آن عده از اعضای اتحاد شمال پیشین که یک نوع حلقه "محافظتی" را به دور رئیس جمهور غنی تشکیل می دهند، در واقع هرگونه گفت وگو با طالبان را رد می نمایند که تا سال ۲۰۰۱ دشمن خونی شان بوده است.

طالبان به سهم خود شان یک هیئت پنج نفری فرستاده بودند، اگرچه ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان، با سماجت می گوید که: «کدام مذاکراتی با کابل صورت نخواهد گرفت» و موضوع بر سر «یافتن یک راه حل صلح آمیز برای مساله افغانستان است.»

دیپلماتها در پاکستان تائید می نمایند که طالبان تنها در صورتی در مورد موضوعات اساسی مذاکره خواهند نمود که با ایالات متحد امریکا در قسمت تقسیم اوقات خروج نیروهایش به توافق برسند.

خانم ماریا زخاروفا سخنگوی وزارت خارجه روسیه تاکید نمود که برای نخستین بار هیئت طالبان در چنین نشست بین المللی در سطح عالی شرکت نموده اند. این واقعیت که طالبان توسط مسکو به حیث یک "سازمان تروریستی" تصنیف شده اند، حتی موضوع را دلچسپ تر می گرداند.

مسکو همچنان از چین، پاکستان، هند، ایران، پنج "ستان" آسیای مرکزی و ایالات متحد امریکا نیز دعوت نموده بود. واشنگتن یک دیپلماتش در سفارت مسکو را به حیث ناظر فرستاده بود. زلمی خلیل زاد فرستاده جدید ایالات متحد امریکا برای صلح در افغانستان که غالباً به دلیل سوابق اخیرش «یک افغان (حلقه) بوش» شمرده می شود، در چند ماه اخیر به کدام پیشرفتی در نشستهایش با مقامات طالبان در قطر دست نیافته است.

هند که دقیقاً به یک پروسه صلح «زیر رهبری افغانها» که مورد حمایت پاکستان است، علاقه ندارد، یک هیئت «درسطح غیر رسمی» فرستاده بود و به فحواى اینکه «شکایت نکنید، سازنده باشید»، مورد شماتت لاوروف قرار گرفت.

با اینهمه، این تنها آغاز بود و این امر ادامه می یابد، اگرچه تاریخی برای آن تعیین نشده است. از حملات بمباردمان و تهاجم ایالات متحد امریکا بر افغانستان به اینسو، که ۱۷ سال پیش و در زمان کنترل طالبان بر این کشور صورت گرفت، دیگر صلح یک امر دیرپاب شده است. طالبان هنوز در این کشور یک حضور بزرگ دارند و اساساً در حال پیشروی می باشند.

در اسلام آباد تائید می کنند که کابل شاید صرف بر ۶۰ درصد جمعیت اعمال قدرت نمایند، اما واقعیت کلیدی اینست که صرف ۵۵ درصد از ۴۰۷ ولسوالی افغانستان و شاید هم کمتر از آن از کابل فرمان ببرند. طالبان در شمال شرق، جنوب غرب و جنوب شرق در حال پیشروی می باشند.

زمان زیادی را در برگرفت تا جنرال استن سکاٹ میلر قومندان جدید عملیات ایالات متحد امریکا و ناتو این واقعیت کاملاً آشکار را بپذیرد که «نمی توان از طریق نظامی بُرد... یک راه حل سیاسی وجود دارد.»

مهیب ترین قدرت نظامی جهان نمی تواند جنگ را ببرد

با اینهم، بعد از آنکه ۱۰۰ هزار سرباز امریکائی و ناتو و ۲۵۰ هزار اردو و پولیس افغانستان که توسط امریکائیا آموزش دیده اند، پس از سالها نتوانستند جلو پیشروی طالبان را در همه ولایات بگیرند، به نظر می رسد واشنگتن مصمم است اسلام آباد را به خاطر در گیر شدن در این منجلاب متهم سازد. جای تعجب نیست که ضمیر قابلوف فرستاده رئیس جمهور روسیه برای افغانستان، مستقیماً به اصل موضوع می پردازد و می گوید: « غرب جنگ را در افغانستان باخته است... حضور ایالات متحد امریکا و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) نه تنها برای حل این معضل ناکام شده است، بلکه بر مشکلات آن نیز افزوده است.»

لاوروف به سهم خود نگران توسعه داعش است که بخش منطقه ئی آن داعش خراسان نامیده می شود. او به درستی هشدار داد که: «حامیان خارجی» به داعش خراسان اجازه می دهند که « افغانستان را تخته پرشی برای توسعه شان در آسیای مرکزی» گردانند. بیجنگ با این نظر موافق است.

## یک برنامه کلان چین و روسیه:

به همه بازیگران عمده پنهان نیست که واشنگتن از امتیاز داشتن پایگاهش در افغانستان، این چهار راه آسیای مرکزی و آسیای جنوبی به دلایل متعدد و به ویژه نظارت و ترصد «تهدیدهای» استراتژیکی مانند چین و روسیه دست بردار نخواهد شد.

موازی به آن، این روایت همیشگی که « پاکستان دو پوشه بازی می کند»، به سادگی از بین نمی رود - حتی اگر اسلام آباد در جزئیاتش هم نشان بدهد که چگونه به طالبان پاکستانی توسط افراد اوپراتیوی "را (RAW)" یا دستگاه استخبارات هند، در شرق افغانستان پناهگاه محفوظ داده می شود.

چنین امری، این واقعیت را تغییر نمی دهد که اسلام آباد یک معضل جدی با افغانستان دارد. دکترین نظامی اقتضا می نماید که پاکستان نمی تواند تخته شطرنج جیوپولیتیکی آسیای جنوبی را مدیریت کند و به حیث یک قدرت برابر با هند ظهور نماید، مگر اینکه برای یافتن "عمق استراتژیکی" افغانستان را کنترل نماید.

براین مشکل، معضل دیرینه خط دیورند افزوده می شود که در سال ۱۸۹۳ به وجود آمده و افغانستان را از امپراتوری هند بریتانیایی جدا می ساخت. اسلام آباد درخواست کابل را برای مذاکره مجدد روی خط دیورند، برحسب شرایط معاهده اصلی کاملاً رد می نماید. برای اسلام آباد خط دیورند برای همیشه همچون یک مرز بین المللی اعتبار خواهد داشت.

در اواسط دهه ۹۰، مراجع قدرت در اسلام آباد معتقد بودند که با حمایت از طالبان، آنها به رسمیت شناختن خط دیورند را به پایان می رسانند و این کار در راس همه برای از میان بردن انگیزه ناسیونالیسم پشتون و خواست "پشتونستان" بسیار مهم است.

فکر می شود اسلام آباد را همواره چنین روایتی به تحرک و می داشته است، اگرچه تاریخ آن را کاملاً واژگون نموده است. در حقیقت این ناسیونالیسم پشتون با اسلامگرایی بسیار متصلب نوع دیوبندی بود که در میان پشتونهای پاکستان شیوع یافت.

با اینهم، ممکن است پشتونها بازیگران عمده در فصل نهائی تماشائی در (کشور کوهپایه های) هندوکش نباشند. این بازیگر عمده شاید چین باشد.

اصل مهم برای چین آنست که افغانستان بخشی از دهلیز (کاریدور) اقتصادی چین و پاکستان گردد. یو جنگ، نماینده چین در نشست افتتاحیه چهارمین گفت وگوهای سه جانبه در اسلام آباد، که در اوایل این هفته بین چین، پاکستان و افغانستان برگزار شد، گفته است: «کابل می تواند همچون پلی برای گسترش اتصالات بین مناطق آسیای شرقی، جنوبی و مرکزی کمک نماید.»

شاهد حسین سید سناتور پاکستانی گفته است: « آسیای جنوبی بزرگتر به مثابه یک طرح مفهومی جیو- اقتصادی، ظهور نموده است که با اقتصاد، انرژی، راهها، خطوط آهن، بندرها و پایپ لاینها به حرکت در آمده و به دلیل دهلیز اقتصادی چین و پاکستان، پاکستان مرکز این اتصال می باشد.»

از نگاه بیجنگ، این دهلیز اقتصادی چین و پاکستان تنها در صورتی می تواند امکانات بالقوه هنگفتش را عرضه دارد که مناسبات هند و پاکستان عادی گردد. این راه از طریق افغانستان می رود. چین از سالها به اینسو، چنین بازشدنی را هدف قرار داده است. افراد استخباراتی اوپراتیوی چین در همه جا، از شین جیانگ تا کراچی و از پیشاور تا دوحه، با طالبان ملاقات نموده اند.

این قطعه (ورق بازی) چین نهایت جذاب است. بیجنگ تنها بازیگری است که می تواند همراه با همه کنشگران عمده دیگر، از کابل گرفته تا طالبان، اتحاد شمال پیشین، ایران، روسیه، آسیای مرکزی، ایالات متحد امریکا، اتحادیه اروپا، عربستان سعودی، ترکیه و سرانجام پاکستان - که « در هرگونه آب و هوا باهم برادر اند»- جلو برود.

تنها مشکل از ناحیه هند وجود دارد. اما اکنون در درون سازمان همکاری شانگهای، همه آنها دور یک میز قرار دارند و ایران و افغانستان ناظر می باشند. همه می داند که یک "پاکس سنیکا (Afghan Pax Sinica)" یا "صلح

چینی" در افغانستان، شامل خروارها سرمایه گذاری، اتصالات و ادغام تجاری می باشد. مگر چنین چیزی خواستنی نیست؟

این راه طولانی و پرپیچ و خم تازه شروع شده است. این یک پروسه صلح است که توسط روسیه و چین راه اندازی شده و طالبان در آن مشمول گردانیده شده است. (هدفهایش عبارت اند از) : افغانستان با ثبات، اسلام آباد به مثابه تضمین کننده آن یک راه حل همه آسائی. از هیچ مهاجم غربی استقبال نمی شود.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ